

نمادها و صوت در رادیو

لیلا رضایی

چکیده

ابزار بنیادینی که رادیو برای برقراری ارتباط با شنوندگان خود به کار می‌گیرد، «صدا» است. «صدا» یا «صوت»، آنگاه که با ویژگی تخیل‌آفرینی رادیو، گره می‌خورد، در مواردی بسیار، از مرحله بیان ساده و مستقیم مفاهیم می‌گذرد و به مرتبه‌ای بالاتر در سطح بیان هنری گام می‌نهد. در اینجا است که «نماد»‌های شنیداری و صوتی، در سطحی گسترده، امکان‌های تازه‌ای را برای دست‌اندرکاران رادیو در راستای بیان غنی‌تر مفاهیم و نیز برای شنوندگان رادیو، در جهت لذت بردن بیشتر از برنامه‌های رادیویی فراهم می‌آورند. این پژوهش با هدف روشن‌تر کردن قدرت رادیو در خلق نماد و کاربرد آن، در ابتدا نماد، سیر آفرینش و پیشینه آن و نیز جایگاه و کارکرد نمادها را در رادیو بررسی کرده و سپس به دسته‌بندی نمادهای رادیویی و جایگاه آنها در برنامه‌های گوناگون پرداخته است. مهم‌ترین تأکیدی که در این پژوهش بر کارکرد نمادین آواها و اصوات رادیویی رفته مربوط به بخش افکت‌ها یا صداهای پس‌زمینه است که این توان را دارند تا کاربردی گسترده در حیطه برنامه‌های رادیویی داشته باشند. در ادامه، در این پژوهش کوشیده شده است تا انواع افکت‌ها از نظر کارکرد نمادین آنها، در قالب تقسیم‌بندی‌هایی ویژه، بررسی شوند. این دسته‌بندی‌ها بر پایه معیارهایی مانند دایره شمول و نیز پیش‌زمینه‌های فرهنگی، آیینی، مذهبی و دینی صورت گرفته است. واژگان کلیدی: رادیو، نماد، واژه، صدا، آیین

مقدمه

تا پیش از قرن بیستم، یعنی پیش از ظهور دانش زبان‌شناسی در میان علوم بشری و ورود روان‌شناسی به مراحل تازه به کمک اندیشه‌های فروید، جایگاه بررسی نماد یا سمبل، تنها به علوم ادبی محدود می‌شد، اما امروزه مباحث مربوط به نمادها را در علوم گوناگون مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، اساطیر و ادیان، علوم ارتباطات، و به ویژه در هنرها، از نقاشی و طراحی و مجسمه‌سازی گرفته تا تئاتر و سینما، می‌توان یافت. بی‌شک این حیطه گسترده، نشان از اهمیت نمادها در اندیشه انسان، از دیرباز تا کنون دارد. در این راستا، رادیو و برنامه‌های رادیویی را نیز باید یکی از جایگاه‌هایی به شمار آورد که در آن نمادپردازی و کاربرد سمبل‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نماد، اصطلاحی است که در زبان فارسی در برابر سمبل (Symbol) آورده شده است. اما در زمینه کاربرد این اصطلاح، همواره اتفاق نظر وجود ندارد و به دلیل پیشینه‌ای که این مبحث در کتب بلاغت فارسی گذشتگان داشته است، گاه اصطلاحات دیگری نیز در برابر سمبل قرار داده می‌شود. از مهم‌ترین این اصطلاحات، «رمز» است که یکی از انواع کنایه به شمار می‌رود. اما امروزه، بر پایه گرایشی که بسیاری از فارسی‌زبانان در زمینه جایگزینی واژه‌های عربی با واژه‌های فارسی دارند، نماد را که از مصدر «نمودن» به معنی «نشان دادن» گرفته شده است، برابر مناسب‌تری برای «سمبل» به شمار آورده‌اند.

است چنین شرح می‌دهد: «نخست؛ عدالت از نظر استقرار برابری و راستی به ترازو تشبیه می‌شود و سپس اضافه «ترازوی عدالت» به وجود می‌آید و آنگاه ترازو (مضاف) به کل معنای مضاف و مضاف الیه دلالت می‌کند» (شمیسا، ۱۹۳: ۱۳۷۲).

اریک فروم، در توضیح و تعریف نمادها، با در نظر گرفتن معیارهایی همچون وجود یا نبود ارتباط ذاتی میان مفهوم و مصداق نماد یا دایره شمول آن از نظر فردی یا جمعی بودن، آنها را به سه دسته تقسیم می‌کند: نمادهای متعارف (conventional symbol)، نمادهای تصادفی (accidental symbol) و نمادهای همگانی (universal symbol).

فروم نمادهای متعارف را آن دسته از نمادها به شمار می‌آورد که میان آنها و مصداقشان رابطه ای ذاتی وجود ندارد. وی مهم ترین نمادهای متعارف را مربوط به حوزه زبان و مکالمات روزمره می‌داند و بر این اساس، واژگان زبان‌های مختلف را نماد یا سمبل به شمار آورده و کارکرد آنها را نمادین می‌داند. این مبحث را در نشانه شناسی فردینان دو سوسور و اندیشه‌های ادوارد ساپیر نیز می‌توان دنبال کرد. سوسور، عقیده داشت که زبان در اجتماع به صورت مجموعه ای از نشانه‌هاست که در مغز افراد ذخیره شده است، تقریباً همانند لغت نامه ای که تمامی نسخه‌های مشابه آن در میان افراد گوناگون توزیع شده باشد. بنابراین اگر بتوانیم مجموعه تصاویر شفاهی را که در ذهن افراد جمع شده، گردآوری کنیم به زنجیره ای اجتماعی دست می‌یابیم که زبان را بنا می‌نهد (سوسور، ۱۳۷۸: ۳۸).

این نظر را ادوارد ساپیر نیز در خلال بررسی‌های زبان شناسانه خویش مطرح کرده است. بر پایه نظر وی، «زبان» از آواهایی قراردادی تشکیل شده که به گونه ای ارادی تولید می‌شوند و به عناصر گوناگون تجربه آدمی مرتبطند. سخن گفتن، شبکه ای بسیار پیچیده از تعبیرها و تعدیل‌های گوناگونی است که در مغز و سلسله اعصاب و اندام‌های مولد آوا و نیز اندام‌های شنیداری صورت می‌گیرند و در مجموع به سوی مقصدی پیش می‌روند که در امر ارتباط دنبال می‌شود. (سایپر، ۱۳۷۶: ۳۰-۲۹) از دیدگاه ساپیر، رابطه ای که زبان را می‌سازد باید رابطه ای نمادین باشد. یعنی کلمه باید با تصویری که با آن پیوند خورده رابطه دلالتی پیدا کند. وی ارتباط را زمانی تحقق یافته می‌داند که آدمی از تجربیات خود در زمینه اشیا و روابط آنها، عناصری نمادین فراهم آورد (همان: ۳۱).

البته گذشته از واژگان، از دیدگاه فروم، برخی تصاویر یا اشیا هم می‌توانند در حوزه نمادهای متعارف قرار گیرند. مثلاً «پرچم» نماینده کشورهای گوناگون است، بدون اینکه رنگ‌های خاص آن رابطه ای ذاتی با مفهوم کشور داشته باشد (فروم، ۱۳۶۶: ۱۷).

نمادهای تصادفی، بر پایه تجربیات شخصی افراد خلق می‌شوند؛ مانند نمادهای متعارف رابطه ذاتی با مصداق خود ندارند؛ اما برخلاف

در ادامه خواهیم کوشید این جایگاه را بر اساس ویژگی‌های آفرینش نماد و نیز امکانات و ویژگی‌های رادیو، بررسی کنیم.

۱. تعریف نماد یا سمبل

تعریف نماد یا سمبل به عنوان یک اصطلاح، در حوزه دانش‌های گوناگون، شباهت بسیار با هم دارد. در فرهنگ معین، سمبل، اینگونه معنی شده است: «شیء یا موجودی که معرف موجودی مجرد و اسم معنی است. نشانه، مظهر، علامت، هر نشانه قراردادی اختصاصی». اریک فروم نیز سمبل را «مظهر و یا نمودگار چیزهای دیگر» دانسته است (فروم، ۱۳۶۶: ۱۴). دایره آن «چیزهای دیگر»، چنانکه کارل گوستاو یونگ خاطر نشان کرده، نامحدود است: «تاریخ سمبلیسم نشان می‌دهد که هر چیز می‌تواند اهمیت سمبلیک پیدا کند. اشیا طبیعی یا چیزهای ساخت انسان یا حتی اشکال مجرد (abstract) (مانند اعداد، مثلث، مربع...) در حقیقت تمام جهان یک سمبل بالقوه است» (یونگ، ۱۳۷۷: ۳۶۴).

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، این است که میان نمادها و مفاهیمی که از جانب آنها نمایندگی می‌کنند، بی شک باید ارتباطی منطقی و توجیه پذیر وجود داشته باشد تا این قرارداد ذهنی را برای اندیشه نظام مند آدمی، پذیرفتنی جلوه دهد. به این ترتیب در هر جایی که نزدیکی یا شباهتی میان موجود و مفهومی وجود داشته باشد، امکان خلق نمادها فراهم شده است. بر این اساس نظریه پردازان علوم ادبی، ریشه نمادپردازی را در تشبیه جست و جو کرده اند. چنانکه سیروس شمیسا با اشاره به «ترازو» که نماد عدالت است، خلق این نماد را که ژرف ساخت آن در تشبیه نهفته

«زبان» از آواهایی قراردادی

تشکیل شده که به گونه ای

ارادی تولید می‌شوند و

به عناصر گوناگون تجربه

آدمی مرتبطند. سخن گفتن،

شبکه ای بسیار پیچیده

از تعبیرها و تعدیل‌های

گوناگونی است که در مغز و

سلسله اعصاب و اندام‌های

مولد آوا و نیز اندام‌های

شنیداری صورت می‌گیرند و

در مجموع به سوی مقصدی

پیش می‌روند که در امر

ارتباط دنبال می‌شود.

این دسته از نمادها، انفرادی و شخصی اند. به همین دلیل، دایره کاربردی وسیعی در هنر و ادبیات نمی‌یابند.

اما دسته سوم را از دیدگاه فروم باید نمادهای جهانی به شمار آورد. نمادهای جهانی با مصداق‌های خود رابطه ذاتی دارند و حوزه آنها عمومی و مربوط به اکثریت مردم جهان است. این دسته از نمادها ریشه‌هایی عمیق در درون انسان‌ها و اشتراکاتی نیز با پیشینه اساطیری ملت‌های گوناگون دارد، مانند آب یا چشمه که همواره نماد پاک، طراوت و زندگی به شمار می‌رود و بسیاری از اقوام و ملت‌های جهان در این زمینه با هم اتفاق نظر دارند (کوپر، ۱۳۷۹: ۲). به نظر فروم، زبان سمبل‌ها یا نمادهای جهانی، زبانی مشترک است که نژاد انسانی به وجود آورده است. زبانی که نژاد انسان پیش از آنکه موفق به تکوین یک زبان متعارف جهانی شود آن را به دست فراموشی می‌سپارد (فروم، ۱۳۶۶: ۲۲).

تقسیم بندی نمادها به گونه‌های دیگر نیز انجام گرفته است؛ از جمله رایج ترین آنها باید تقسیم بندی به نمادهای قراردادی یا عمومی (Public یا Conventional) و نمادهای خصوصی یا شخصی (Personal یا Private) را نام برد (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۹۰). مهم ترین تفاوتی که میان این دو دسته وجود دارد، این است که نمادهای قراردادی یا عمومی، برای بیشتر مردم شناخته شده اند و دایره کاربرد وسیعی دارند، اما نمادهای شخصی در آثار برخی شاعران، نویسندگان و هنرمندان مبتکر و اندیشمند، خلق شده اند و گاه، دایره کاربردشان، منحصر به همان اثر است.

۲. پیشینه و خاستگاه نمادها

سمبل‌ها یا نمادها در زندگی آدمیان، از گذشته‌های دور پیوسته حضوری استوار داشته اند. این پیشینه در نخستین گام‌های خود در تاریخ باستان، به اسطوره‌ها گره می‌خورد. با بررسی اساطیر، که دنیای ذهنی مردمان باستان را شکل داده اند، به حضور پررنگ و برجسته نمادها در این بخش از زندگی و تفکر بشری پی می‌بریم. از آنجا که در نگرش اساطیری، همواره از موجودات فرابشری مانند خدایان، نیمه خدایان، قهرمانان و ارواح یا اشباح سخن به میان آمده است، انسان‌های نخستین، ناگزیر بوده اند این موجودات فرابشری را به کمک امکانات زمینی و بشری در حیطه واژگان و تصاویر به نمایش بگذارند. پس آشکار می‌شود که نیاز به آفرینش نمادها و کاربرد زبان در نمادین ترین گونه آن در زندگی انسان‌های کهن، ضرورتی گریزناپذیر بوده است. البته این نکته را هم نباید از یاد برد که برخی منتقدان ادبی در حوزه دانش زبان شناسی (مانند شلی) زبان بشری را در آغازین گام‌های شکل گیری آن- زمانی که آدمیان نخستین بار از اصوات خود به صورتی معنی دار برای رساندن احساسات خود بهره گرفتند- نماد گونه ترین تجربه زبان بشری دانستند (دیچز، ۱۸۰:

(۱۳۶۹).

لارنس کوپ در کتاب خود (اسطوره) در بررسی زبان نمادین اساطیر از قول کنت پرک، منتقد ادبی، چنین نقل می‌کند که در زبان انسان خاصیتی است که مطلق گرایی را دامن می‌زند. هم ساختن اسطوره و هم خواندن آن، مستلزم میل به سوی اتمام و اکمال است؛ یعنی امور و اشیا را باید تا حد امکان نزدیک به مرحله تامیت و کمال آنها در نظر گرفت (کوپ، ۱۳۸۴: ۷). پس ناگزیر، زبان اساطیر نیز باید توان کشیدن بار معانی را در حیطه ای وسیع تر و غنی تر داشته باشد. از این روی است که انسان، پیش از اینکه وارد مرحله اندیشه علمی شود، یعنی در دورانی که تخیل و تفکر آدمی به دنیای اسطوره‌ها تعلق داشت، جهان ذهن و زبان وی سرشار از نمادهای گوناگون بود. البته آشکار است که ورود آدمی به دنیای علم و خوگرفتن با اندیشه علمی نیز انسان را از دنیای اساطیر و نمادهای دنیای باستان دور نکرد. بررسی‌های پژوهشگران در قرن بیستم که حضور اسطوره‌ها را در پستوهای ذهنی انسان به نمایش گذاشت و نیز، گرایش‌های بشر در دوران فرامدرنیسم را به کاربرد دوباره اساطیر در زندگی اثبات کرد، نشان از این واقعیت دارد. در زمینه بررسی‌های یادشده، باید از تحقیقات فروید و یونگ یادکرد که انسان را در بخش ناخودآگاه ذهنی وی مطالعه و بررسی کردند. آنان موفق به کشف حقایقی شدند که در آن روزگار، بسیار ناب و جالب توجه بود. در پی همین پژوهش‌ها بود که «خاطره پنهان» یا ناخودآگاه جمعی بشر، شناخته و بررسی شد. یونگ این ناخودآگاه جمعی را جزء مهمی از وجود هر انسان متمدن می‌داند و عقیده دارد که این بخش ناخودآگاه، نقش مهمی در تکوین بخش خودآگاه انسان یا «من» وجود وی دارد. به باور یونگ: «من یا

سمبل‌ها یا نمادها

در زندگی آدمیان، از

گذشته‌های دور پیوسته

حضوری استوار داشته‌اند.

این پیشینه در نخستین

گام‌های خود در تاریخ

باستان، به اسطوره‌ها

گره می‌خورد. با بررسی

اساطیر، که دنیای ذهنی

مردمان باستان را شکل

داده‌اند، به حضور پررنگ

و برجسته نمادها در این

بخش از زندگی و تفکر

بشری پی می‌بریم.



نمادین و نیز سمبل‌های بازمانده از گذشته‌های دور یاری می‌رساند. اینکه آدمی با وجود گذشت قرن‌ها از دوران باستان، هنوز پیشینه اندیشه‌های اساطیری خود را فراموش نکرده و اینکه نمادسازی از دیرباز تا کنون همواره یکی از بخش‌های مهم اندیشه آدمی بوده که در زبان وی تأثیر بسیاری گذاشته، نشان از ناتوانی پیوسته واژگان در بیان مفاهیم دشوار و پیچیده یا متعالی و مقدس دارد. از همین روی است که در دنیای امروز، بیشترین حضور نمادها را در حوزه ادیان و مذاهب، ادبیات و هنر می‌یابیم که در همه این موارد، اغلب سخن از مفاهیمی است که به دنیای زمینی تعلق ندارند، بلکه از جنسی فرازمینی و معنوی اند و بیش از هر چیز به لایه‌های درونی روح و اندیشه بشری مربوط می‌شوند. به گفته یونگ: «از آنجایی که چیزهای بی شماری فراسوی حد ادراک ما وجود دارند، پیوسته ناگزیریم به یاری اصطلاحات نمادین، برداشت‌هایی از آنها ارائه دهیم، زیرا نه می‌توانیم آنها را تعریف کنیم و نه به درستی آنها را بفهمیم و درست به همین سبب است که دین‌ها از زبانی نمادین بهره می‌گیرند و خود را با نمایه‌ها تعریف می‌کنند» (همان: ۱۸ و ۱۹).

۳. کاربرد و جایگاه نمادها در رادیو

الف. رادیو، پیوند میان گفتار و تخیل

رادیو، رسانه ای است که بر عنصر شنیدار تکیه دارد. پس مواد اصلی تشکیل دهنده آن از جنس صداست. بنابراین تمامی مفاهیمی که

خود آگاه تنها بخش کوچکی از روان را تشکیل می‌دهد که به مرور و در فرایند قرن‌های بی شمار پیش از تمدن تکوین یافته و هنوز هم تا تکامل نهایی راه درازی در پیش دارد» (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۰). ناخودآگاه جمعی به ویژه در بخش مربوط به نمادهای جهانی، به توضیح و تبیین پیشینه مشترک انسان‌ها در کاربرد یا درک زبان

تخیل‌ساز بودن رادیو و

پیوندی که شنیدار با اندیشه

آدمی دارد، بستر مناسبی برای

به کارگیری نمادها در عرصه‌ای

گسترده در رسانه کهن است.

چنانکه پیشتر توضیح داده

شد، ریشه هر نماد را باید در

حکمی تشبیهی جست‌وجو کرد.

هر تشبیه در اساس و ریشه

خود، یک تصویر ساده یا مرکب

است. بنابراین نمادها با تصاویر

در ارتباطند و لازمه درک

تصاویر ذهنی نیز، دارا بودن

قدرت تخیل است.

در ارتباط با رادیو مورد بررسی قرار می‌گیرند، پیش از هر چیز به بخش شنیداری یا «صوت» مربوط می‌شوند.

هرچند معانی و مفاهیم رادیویی به کمک اصوات خلق می‌شوند، اما نباید از یاد برد که سکوت نیز به عنوان رمز یا پل میان بخش‌های مختلف صدا، عنصری مهم در رادیو به شمار می‌آید که وظیفه انتقال برخی مفاهیم را بر عهده دارد و گاه تنها چند ثانیه سکوت، بخش بزرگی از معنا را به شنونده انتقال می‌دهد.

اینکه رادیو تنها یک حس از حواس پنجگانه آدمی را - که پیچیده ترین آنها نیز به شمار می‌رود- به کار می‌گیرد این رسانه را از ویژگی‌های منحصر به فردی در امر خلق معنا برخوردار کرده است. شنیدار، حسی عمیق و پیچیده است. برخلاف ادراک دیداری که ساده و یکپارچه است، ادراک شنیداری را باید زنجیره ای دانست. پیام‌های شنیداری در مغز، به دقت پردازش می‌شوند تا به مرحله ادراک برسند. بنابراین در برخورد با پیام‌های شنیداری، مغز فعال تر از دیگر پیام‌ها عمل می‌کند و نیز از همین روی است که در هنگام شنیدن، خطاهای گفتاری حتی در کوچک ترین اندازه خود که به تلفظ حروف و آواها مربوط است، بیشتر دریافت می‌شود تا به هنگام دیدن و شنیدن همزمان.

این ویژگی، یعنی نیازی که شنیدار، به پردازش دقیق پیام دارد، یکی از علت‌های اصلی توانمندی رادیو در خلق مفاهیم و معانی است و حضور پیوسته و قدرتمند رادیو را در کنار دیگر رسانه‌هایی که امکانات بیشتری به نسبت رادیو دارند، به خوبی توجیه می‌کند. رادیو هرچند از تصویر بهره ای ندارد، به خوبی ذهن شنوندگان خود را به فعالیت و خیال پردازی وامی‌دارد و به این ترتیب بخش دیداری خود را به تخیل شنوندگان وامی‌گذارد. بنابراین امتداد گفتار رادیویی را باید در حوزه اندیشه و تخیل شنوندگان، پی گرفت.

ب. رادیو و کارکرد نمادها

تخیل سازبودن رادیو و پیوندی که شنیدار با اندیشه آدمی دارد، بستر مناسبی برای به کارگیری نمادها در عرصه ای گسترده در رسانه کهن است. چنانکه پیشتر توضیح داده شد، ریشه هر نماد را باید در حکمی تشبیهی جست و جو کرد. هر تشبیه در اساس و ریشه خود، یک تصویر ساده یا مرکب است. بنابراین نمادها با تصاویر در ارتباطند و لازمه درک تصاویر ذهنی نیز، دارا بودن قدرت تخیل است. مواد اولیه یا ابزارهای که رادیو از آنها بهره می‌برد، در دو عنصر اصلی خلاصه شده است: صدا و سکوت.

هر یک از این عناصر در جایگاه خود، می‌توانند به صورت رمز یا نماد کاربرد داشته باشند. حتی سکوت که آن را مرگ صدا به شمار می‌آوریم نیز، اگر به‌جا و مناسب در خلال سخن به کار رود، توان انتقال مفاهیم رمزی و نمادین را دارد.

صداها را در رادیو به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: واژه، موسیقی و افکت (صداها طبیعی). چنانکه در تقسیم بندی فروم از نمادها اشاره شد، تمامی واژگان هر زبان، در زمینه دلالتی که بر معنی و مفهوم خویش دارند، از رابطه ای نمادین بهره می‌برند. پس در یک نگاه کلان از منظر زبان شناسانه، تمامی گفتارهای رادیویی، در جایگاه خود، نماد شمرده می‌شوند و همین نمادین بودن آنهاست که پایه و اساس جذابیت خلاق رادیویی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا کلمه به عنوان یک علامت، نمی‌تواند شیء را نشان دهد، بنابراین شنونده باید آن را در ذهن خود تصویر کند (کرایسل، ۱۳۸۲: ۶۸).

موسیقی نیز در جایگاه خود می‌تواند کارکردی نمادین در رادیو داشته باشد. امکان‌های نمادینگی موسیقی در رادیو، بسیار گسترده است، زیرا موسیقی، به ویژه آنگاه که در فواصل گفتار رادیویی به کار می‌رود، امتداد کلام به شمار می‌آید و ناگزیر باید مفاهیم مورد نظر را در راستای گفتار و کلامی که با آن در پیوند بوده است به مخاطب انتقال دهد. گذشته از اینکه گاه برخی از موسیقی‌ها که به کشور یا فرهنگ ویژه ای مربوطند، در زمینه تداعی آن کشور یا فرهنگ و آداب و رسوم، کارکرد نمادین می‌یابند (همان: ۶۹).

اما تکیه این پژوهش بیش از همه بر بخش سوم یعنی افکت‌های رادیویی یا صداهایی است که در پس زمینه به کار می‌روند. امروزه با گسترشی که دانش رایانه داشته است، امکان تولید صداها و بیشماری به کمک رایانه فراهم آمده است، اما آنچه از دیرباز در رادیو با عنوان افکت وجود داشته و مطرح شده است، بیش از هر چیز به حوزه اصوات طبیعی مربوط است. صداهایی مانند: صدای دریا، باد، صدای پا، صدای آواز پرندگان و غیره، این صداها نیز هر یک، نماینده و نماد

موسیقی نیز در جایگاه خود می‌تواند

کارکردی نمادین در رادیو داشته

باشد. امکان‌های نمادینگی موسیقی

در رادیو، بسیار گسترده است، زیرا

موسیقی، به‌ویژه آنگاه که در فواصل

گفتار رادیویی به کار می‌رود، امتداد

کلام به شمار می‌آید و ناگزیر باید

مفاهیم مورد نظر را در راستای گفتار و

کلامی که با آن در پیوند بوده است به

مخاطب انتقال دهد. گذشته از اینکه

گاه برخی از موسیقی‌ها که به کشور

یا فرهنگ ویژه ای مربوطند، در زمینه

تداعی آن کشور یا فرهنگ و آداب و

رسوم، کارکرد نمادین می‌یابند.

مفهومی‌اند که با آن ارتباطی ذاتی یا قراردادی دارند.

ج. انواع افکت و کارکرد نمادین آنها

چنانکه پیش از این هم گفته شد، هر صدایی که از رادیو پخش می‌شود، می‌تواند نماد و نماینده مفهومی ویژه باشد. این ویژگی هم در عرصه سکوت و هم در حوزه صدا در رادیو وجود دارد. از میان بخش‌های سه گانه، حضور صدا در رادیو، افکت یا صداهای پس زمینه، کارکردهای نمادین گسترده‌ای در برنامه سازی رادیویی و انتقال مفهوم بر عهده دارند. برخلاف واژگان که بشر آنها را اختراع کرده است، این اصوات که به صورت افکت در رادیو به کار گرفته می‌شوند، طبیعی بوده و شکلی از معنی را که در خارج (در دنیای واقعی) وجود دارد منتقل می‌کنند (همان: ۶۸). این صداها، حوزه‌ای بسیار گسترده دارند و تمامی آواهایی را که در طبیعت امکان وجود یافته اند، دربرمی‌گیرند. صداهای گوناگونی مانند: به هم خوردن در اتاق یا گاراژ، صداهای آشپزخانه و حمام، صداهای مربوط به روستاها یا شهرها یا عناصر طبیعی از قبیل آتش، رعد و برق و غیره. این حوزه گسترده از صداهای هر چند همگی جزء زیرمجموعه افکت‌ها به شمار می‌روند، اما کاملاً همگون و یکدست نیستند و می‌توان میان آنها تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی را در نظر گرفت. مبنای تشخیص این تفاوت‌ها و شباهت‌ها را می‌توان از تقسیم بندی فرم، وام گرفت. یعنی: وجود ارتباط ذاتی میان نماد و مصداق آن، دارا بودن حوزه جهانی یا فردی و دارا بودن پیش زمینه فرهنگی یا اعتقادی. با توجه به اینکه همه این گونه نمادها دارای رابطه ذاتی با مصداق خود هستند - مثل صدای پا که نزدیک شدن فرد یا افرادی را نشان

هر صدایی که از رادیو پخش می‌شود، می‌تواند نماد و نماینده مفهومی ویژه باشد. این ویژگی هم در عرصه سکوت و هم در حوزه صدا در رادیو وجود دارد. از میان بخش‌های سه گانه، حضور صدا در رادیو، افکت یا صداهای پس زمینه، کارکردهای نمادین گسترده‌ای در برنامه سازی رادیویی و انتقال مفهوم بر عهده دارند. برخلاف واژگان که بشر آنها را اختراع کرده است، این اصوات که به صورت افکت در رادیو به کار گرفته می‌شوند، طبیعی بوده و شکلی از معنی را که در خارج (در دنیای واقعی) وجود دارد منتقل می‌کنند

می‌دهد که از برخورد کف پا با زمین ایجاد می‌شود و دلالتی جز این ندارد - تقسیم بندی موردنظر را باید تنها بر پایه دو معیار دیگر استوار کرد: دایره شمول و پیش‌زمینه‌های آیینی یا مذهبی و دینی.

۱. دایره شمول

الف. نمادهایی که دایره شمول آنها جهانی است

این دسته از نمادها برای اکثریت مردم جهان، شناخته شده اند. زیرا مصداق‌های آنها در کشورهای گوناگون و در میان ملت‌های مختلف وجود دارد. در این بخش، موارد زیر را می‌توان جای داد:

- صداهایی که حالت‌های طبیعی جسمی و روحی انسان را به نمایش می‌گذارد، مانند خمیازه که نشان دهنده خواب آلودگی است یا سرفه که نشان از بیماری دارد.

- آواهایی که مربوط به عناصر گوناگون طبیعتند مانند صدای باران و باد که نماد توفان است.

ب. نمادهایی که دایره شمول آنها، منطقه ای یا مربوط به طبقات خاصی از مردم است

این نمادها را نیز می‌توان به صورت عمده، در دو گروه زیر جای داد:

- نمادهای آیینی و مذهبی

مانند صداهایی که در مراسم مربوط به آیین‌های محلی یا قومی شنیده می‌شود. از این نظر در هر یک از بخش‌های جهان، نمادهای صوتی ویژه‌ای وجود دارد. از این جمله می‌توان صدای طبل یا سنج یا زنجیرزنی را در مراسم عزاداری عاشورا در کشورهای مسلمان مثال آورد. همچنین باید از موسیقی‌هایی که مربوط به مراسم آیینی و مذهبی گوناگون است و گاه به صورت صدای پس زمینه در برخی برنامه‌های رادیویی به کار می‌رود نیز نام برد.

- نمادهای مربوط به صداهای تکنولوژیک

تعداد نمادهایی که در این گروه جای می‌گیرند نباید چندان گسترده باشد. مثلاً شاید بتوان صداهایی که مربوط به تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای است که تنها در برخی قسمت‌های جهان یافت شده و هنوز به برخی کشورها از جمله کشورهای جهان سوم نرسیده است را در این دسته جای داد. اما با اینهمه نباید از یاد برد که امروزه در دهکده جهانی و به کمک دامنه گسترده ارتباطات، جز در مواردی محدود، چهره بیشتر شهرها و گاه روستاهای جهان، شبیه به هم است و جای تعجب نخواهد بود اگر تعداد نمادهایی که در این گروه جای می‌گیرند روز به روز و سال به سال کاهش یابند. امروزه صدای اتومبیل و هواپیما و لوازم برقی خانگی و غیره، صداهایی است که برای اکثریت مردم جهان، ناشناخته شده است. در این زمینه شاید تنها بتوان برخی

روستاهای دورمانده از آسیب مدرنیسم را در برخی زمینه‌ها از دایره نمادهای صوتی تکنولوژیک خارج کرد.

۲. پیش زمینه فرهنگی، آیینی یا مذهبی و دینی

بر پایه معیار یاد شده، در این تقسیم بندی نیز باید دو دسته از نمادها را جای داد. آشکار است که تقسیم بندی‌های یادشده، ممکن است در برخی موارد با یکدیگر همپوشی داشته باشند، مثلا نمادهای منطقه ای در بسیاری موارد، پیش زمینه‌های آیینی یا مذهبی دارند. از سوی دیگر نمادهایی که پیش زمینه ویژه ای ندارند، می‌توانند تکنولوژیک، طبیعی یا صداهایی مربوط به دنیای انسان‌ها باشند، مانند صدای سرفه یا خمیازه. با این توضیح، این دسته از نمادهای صوتی را در دو گروه زیر، می‌توان بررسی کرد:

- نمادهایی که پیش زمینه فرهنگی، آیینی یا اعتقادی ندارند

هر آوای نمادین که به سادگی، تنها بر مفهومی دلالت کند که با آن در ارتباط ذاتی است، در این طبقه بندی از نمادها قرار می‌گیرد. مانند صدای چرخش کلید در قفل که باز شدن در راه، در ذهن تصویر می‌کند. همچنانکه پیشتر توضیح داده شد، انواع صداهای تکنولوژیک یا آوای طبیعی و جسمانی انسان را می‌توان در این گروه جای داد که هم پوشی گسترده ای با دیگر گروه‌های نمادهای صوتی خواهد داشت.

۱. نمادهایی با پیش زمینه عرفانی

این دسته از صداها، مفاهیم عارفانه را به ذهن متبادر می‌کنند. در خلق آنها، پیشینه عرفانی ملت‌ها - به ویژه فارسی زبانان - و اشاراتی که عرفا در طول قرن‌ها در آثار خویش داشته اند، تأثیر بسیاری دارد. از جمله مهم ترین این نمادها می‌توان به صدای دریا یا مرغان دریایی اشاره کرد که به ویژه در برنامه‌های مربوط به اذان، تأثیر بسزایی در خلق حال و هوای عرفانی لحظات ویژه عبادی دارد.

۲. نمادهایی با پیش زمینه دینی

این گروه از نمادها، در برخی از موارد با نمادهای عرفانی همپوشی دارند؛ اما در مواردی دیگر نیز به صورت اختصاصی به تمامی ادیان یا به دین‌های ویژه ای مربوط می‌شوند. از میان این دسته از نمادها، می‌توان به صدای رعد و برق که عذاب الهی را به ذهن می‌رساند یا صدای آواز پرندگان که تداعی کننده مفهوم بهشت است، اشاره کرد. همچنین صدای ناقوس کلیسا تداعی گر مسیحیت یا مراسم کلیسایی یا اعتقادات مسیحیان است.

۳. نمادهایی با پیش زمینه آیینی یا مذهبی

نمادهای آیینی و مذهبی را باید در میان پیروان مذاهب خاص یا در میان اقوام بومی مناطق ویژه جهان که هنوز به آیین‌های کهن

- نمادهایی که پیش زمینه‌های ویژه اعتقادی، آیینی یا فرهنگی دارند این دسته از نمادها، ریشه در ناخودآگاه جمعی ملت‌های گوناگون داشته و به گذشته‌های دور تاریخ بشری مربوط‌اند. برخی از آیین‌ها یا زمینه‌های فرهنگی، امروزه در جوامع مدرن بشری فراموش شده اند و برخی همچنان حضوری گسترده یا محدود دارند. بر این اساس ممکن است برخی از این نمادها برای اکثریت مردم جهان شناخته شده تر باشند اما در زمینه برخی دیگر، این درصد از شناخت به وجود نیامده باشد. همچنین از سوی دیگر برخی از این نمادها جهانی اند؛ مانند نمادهایی که پیش زمینه آنها اندیشه‌های عرفانی است که در میان بسیاری از اقوام و ملت‌های جهان، مشترک است مانند صدای آب یا دریا. نکته مهم دیگر این است که گاه تفاوت‌هایی در مفهوم این دسته از نمادها در میان ملت‌ها و اقوام وجود دارد که علت آن به تفاوت آیین‌ها، اعتقادات یا فرهنگ‌های مردم برمی‌گردد. مثلا صدای سوختن هیزم یا آتش برای مسلمانان می‌تواند نمادی از دوزخ باشد اما در مناطقی که زمستان‌های سرد دارند این نماد به مفهوم زندگی و آرامش است. همچنین برای زردشتیان نیز صدای سوختن هیزم، مفاهیم دینی دربردارد.

به صورت کلی نمادهایی را که دارای پیش زمینه فکری یا آیینی

پای بندند، جست و جو کرد. نمونه بارز این گونه نمادها را در مذهب تشیع و در صدای طبل یا زنجیر که مراسم عزاداری عاشورا را به ذهن می‌آورد، می‌توان یافت. همچنین در میان قبایل بومی آفریقای یا استرالیایی، مراسم نیایش مظاهر طبیعی با موسیقی ویژه ای همراه است. البته باید یادآوری کرد که در این تقسیم بندی، آواهای طبیعی با آواهای موسیقی نیز گره خورده و همراه می‌شود.

نکته دیگر در زمینه کاربرد نمادهای صوتی یا افکت‌های رادیویی، این است که هر صدای نمادین، می‌تواند در آن واحد، چند معنی را تا زمانی که مفهوم آن کاملاً روشن نشده است، به ذهن متبادر کند. مثلاً صدای رعد و برق می‌تواند تنها نشانگر آغاز بارش باران باشد یا نشانه ای از عذاب الهی. البته در رادیو، نمادهای صوتی (افکت‌ها) اغلب با کلام نیز همراهند که به روشن شدن مفهوم آنها کمک می‌کند.

نتیجه گیری

نمادها بخشی از تاریخ زندگی بشری را تشکیل می‌دهند و از گذشته‌های دور تا کنون، همواره با زندگی و زبان انسان‌ها همراه بوده اند. مبحث نماد را در علوم مختلف بشری می‌توان یافت اما پیش از هر جای دیگر، در حوزه عرفان و دین، هنر و ادبیات است که نمادها جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده اند. تأملات دانشمندان علم روان شناسی از جمله فروید، یونگ و نیز بررسی‌های اریک فروم به ایجاد دسته بندی‌هایی دقیق در زمینه انواع نمادها منجر شده است. مهم‌ترین تقسیم بندی نمادها را اریک فروم ارائه کرده و انواع نمادها را به سه دسته: نمادهای متعارف، تصادفی و جهانی تقسیم کرده است.

رادیو یکی از رسانه‌هایی است که به دلیل بهره گیری از حس شنوایی و ویژگی‌های شنیداری، نماد را در وسیع ترین حیطه آن به کار می‌گیرد. رادیو به عنوان رسانه ای کور و تخیل ساز، از تمامی آواها و اصوات، در کارکردی نمادین بهره می‌برد. صدا در رادیو در سه بخش: کلام، موسیقی و افکت، انتقال دهنده معانی و مفاهیمی است که در پی بیان آنها برآمده است. هم واژگان که به وجود آورنده کلام اند و هم موسیقی که تداوم جملات رادیویی است، در اغلب موارد به عنوان نماد در رادیو به کار می‌روند، اما از آنجایی که تکیه پژوهش حاضر بر افکت‌ها یا صداهای پس زمینه بوده است، بررسی عمده، در زمینه این دسته از صداها انجام گرفته است.

در این پژوهش، نمادهای صوتی در حیطه صداهای پس زمینه یا افکت‌ها، بر پایه معیارهایی چند، تقسیم شده‌اند:

الف. بر مبنای دایره شمول: بر این اساس، نمادها به دو دسته جهانی و غیرجهانی (منطقه ای یا انفرادی) تقسیم شده اند. نمادهای غیرجهانی نیز خود در دو دسته آیینی و مذهبی و تکنولوژیک، جای

گرفته اند.

ب. بر مبنای پیش زمینه فرهنگی، آیینی یا اعتقادی: بر این پایه، نمادها در ابتدا به دو دسته تقسیم شده اند: نمادهایی بدون پیش‌زمینه ویژه و نمادهایی با پیش زمینه خاص.

نمادهایی که پیش زمینه ویژه دارند در سه بخش جای می‌گیرند: نمادهایی با پیش زمینه عرفانی، نمادهایی با پیش زمینه دینی، نمادهایی با پیش زمینه مذهبی و آیینی.

کتابنامه:

۱. پروری، محمد (۱۳۸۴). زبان و رسانه، تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا
۲. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۳). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ پنجم).
۳. دیچز، دیوید (۱۳۶۹). شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمد تقی صدقیاتی، دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ دوم).
۴. سایپر، ادوارد (۱۳۶۷). زبان، درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، ترجمه محمد علی حق شناس، تهران: انتشارات سروش
۵. سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). درس‌های زبان شناسی همگانی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: انتشارات فرزانه
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰). صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات نیل
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). بیان، تهران: انتشارات فردوس (چاپ سوم).
۸. فروم، اریک (۱۳۶۶). زبان از یاد رفته، ترجمه ابراهیم امانت، تهران: مروارید (چاپ چهارم).
۹. کرایسل، آندرو (۱۳۸۱). درک رادیو، ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا
۱۰. کوپ، لارنس (۱۳۸۴). اسطوره، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۱. کوپر، جی، سی (۱۳۷۹). فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرهاد
۱۲. ناظر زاده کرمانی، فرهاد (۱۳۶۷). نمادگرایی در ادبیات نمایشی، تهران: انتشارات برگ (دو جلدی)
۱۳. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷). انسان و سمبول‌هایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر